



حماسه آفرینی و قهرمانی مردم انقلابی در ۴ آبان

امواج مبارزه پی‌درپی فرامی‌رسند و سیل بنیان‌کنی که هستی بنای ستمگری را مورد حمله ت مداوم قرار داده است، تقویت می‌کنند. در طول شش‌هفته‌ای که از آغاز موج نوین تظاهرات توده‌ای و نبردهای خیابانی می‌گذرد، مبارزاتی که تمام شهرهای کشور را فراگرفته، لحظه‌ای آرام نگرفته و بسرغم سرکوبگری و جنایات بی‌شمار رژیم، روزبه‌روز بر تعداد مبارزان جنبش و خصلت تعرضی مبارزه افزوده شده است. اوج موج نوین جنبش، ۴ آبان ماه بود که ده‌ها هزار تن از مردم، چهل روز پس از قتل مهسا امینی، خیابان‌ها را به تصرف خود درآوردند، علیه نظم ستمگرانه حاکم بر ایران و سران آن شعار سر دادند و با مزدوران سرکوبگر رژیم جنگیدند.

بزرگترین تجمع، راهپیمایی و تظاهرات در سقز برگزار شد. متجاوز از ده هزار تن از مردم سقز، از صبح ۴ آبان، پیاده و با اتومبیل، سیل‌آسا به سوی آرامستان آچی حرکت کردند. مزدوران سرکوبگر رژیم راه‌های اصلی سقز به آرامستان را مسدود کرده بودند. مردم اما از مسیرهای فرعی و کنار رودخانه به حرکت درآمدند، به دور مزار مهسا گرد آمدند و علیه قاتلین او شعار سر دادند. "کردستان کردستان، گورستان فاشیست‌ها" "مرگ بر دیکتاتور" "زن، زبان، آزادی". اقدامات سرکوبگرانه مزدوران با شلیک گاز اشک‌آور و تیراندازی آغاز شد. درگیری‌ها به درون شهر کشیده شد. مردم سقز قهرمانانه در مقابل آن‌ها ایستادند. مزدوران یک جوان کرد را با گلوله جنگی کشتند. این تظاهرات همزمان در دیگر شهرهای کردستان نیز برپا گردید. در ادامه همین تظاهرات بود که یک روز بعد، مردم مهاباد تظاهرات بزرگی برپا کردند، برخی مراکز دولتی و بانک‌ها را به آتش کشیدند و فرمانداری را به تصرف خود درآوردند. آدمکشان جمهوری اسلامی مردم را به گلوله بستند. ۳ نفر را به قتل رساندند و تعدادی را زخمی کردند. در مجموع، در طول این دو روز،

در صفحه ۲

**یورش وحشیانه به دانشگاه‌ها
و خوابگاه‌های دانشجویی را
قویاً محکوم می‌کنیم**

در صفحه ۶

درخشش جنبش دانشجویی در چهلمین روز یادمان ژینا امینی



روز چهارشنبه، چهارم آبان، در چهلمین روز گرامیداشت یادمان مهسا (ژینا) امینی، فواره‌های آتش‌شان خشم توده‌های مردم ایران بلندتر از پیش زبانه کشید و گدازه‌های سوزان آن بار دیگر از هر سو بر سر ارتجاع حاکم فرو ریخت. در این روز، جنبش انقلابی مردم ایران بیش از پیش قد کشید و در روند قیام و نبردهای خیابانی خود یک روز افتخار آفرین دیگری را به یادگار گذاشت. آنچه در این روز بیادماندن رخ داد، همانا تعمیق و گسترش مبارزات سراسری مردم ایران، تکثیر شجاعت و همدلی بی دریغ آنان با خانواده مهسا امینی بود.

چهلمین روز یادمان جان باختن مهسا امینی، اگرچه برای عموم توده‌های بپاخاسته مردم در صفحه ۳

چه کسی تکلیف را یکسره خواهد کرد؟

خیزش‌های شهری، تظاهرات توده‌ای و نبردهای خیابانی سراسری برای سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در بیش از شش هفته گذشته بدون وقفه ادامه داشته و وارد هفتمین هفته خود شده است. در جریان استمرار این نبردها و اعتراضات شبانه‌روزی خیابانی، شمار بیشتری از شهرها و توده‌های مردم ناراضی به درون جنبش انقلابی کشانده شده‌اند. تعدد شهرها و مراکز بی‌شمار اعتراضات، رژیم حاکم و نیروی سرکوب آن را مستأصل ساخته است. خیزش‌ها و قیام‌های شهری در بسیاری موارد با درگیری و جنگ‌وگریز خیابانی همراه شده‌اند. توده‌های



در صفحه ۴

صدور احکام سنگین علیه فعالان کارگری و معلمان

و اهمیت شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"

پیشرو که بیش از ۵ ماه در زندان و زیر شکنجه بودند، در دادگاهی مضحک و فرمایشی به سال‌ها زندان محکوم شدند. رضا شهبانی و حسن سعیدی دو کارگر مبارز و از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که بارها به خاطر دفاع از حقوق و

در صفحه ۸

در حالی که آتش خشم توده‌ها علیه جمهوری اسلامی به پهنای تمام این سرزمین فروزان‌تر از همیشه شرر برکشیده است، رژیم کودکش در اوج ناامیدی و یأس برای ادامه‌ی بقاء، بیش از پیش به طناب پوسیده دستگیری، محاکمه، زندان، شکنجه و حتا کشتار در زندان‌ها تمسک می‌جوید. در همین هفته برخی از کارگران و معلمان

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

حماسه آفرینی و قهرمانی مردم انقلابی در ۴ آبان

۱۰ نفر در شهرهای کردستان جان باختند و ده‌ها تن بازداشت شدند. تظاهرات اما محدود به کردستان نبود.

به گزارش خبرگزاری‌ها، تظاهرات ۴ آبان در متجاوز از ۳۰ شهر و بیش از ۲۰ دانشگاه برپا گردید. پس از سقز، بزرگترین تظاهرات و درگیری‌های خیابانی در چندین نقطه تهران رخ داد. یکی از این تظاهرات در مقابل ساختمان نظام پزشکی تهران برپا گردید. طبق فراخوان قبلی، تجمعی اعتراضی با حضور تعدادی از پزشکان در مقابل ساختمان نظام پزشکی برگزار شد که با مداخله نیروهای سرکوب مواجه گردید. مزدوران سرکوبگر تلاش کردند با شلیک گاز اشک‌آور و تیراندازی، پزشکان و مردمی را که در حمایت از آن‌ها گردآمده بودند، متفرق کنند. تعدادی زخمی شدند و تجمع به یک تظاهرات بزرگ با شعار "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه‌ای" "توب تانک قشقه، آخوند باید گم بشه!" تبدیل شد. یک پزشک زن که در این تجمع با گلوله جنایتکاران روانه بیمارستان شده بود، دو روز بعد جان باخت. وحشی‌گری نیروهای سرکوب تنها علیه تجمع‌کنندگان صورت نگرفت. حتی قائم‌مقام و رئیس سازمان نظام پزشکی تهران بزرگ مورد تهدید و اهانت قرار گرفتند. در واکنش به این سرکوبگری‌ها و اهانت به پزشکان بود که نخست، قائم‌مقام و سپس رئیس سازمان نظام پزشکی تهران بزرگ از مقام خود استعفا دادند.

قائم‌مقام سازمان نظام پزشکی تهران بزرگ، دلیل استعفای خود را عدم احترام به جامعه پزشکی و هتک حرمت پزشکانی اعلام کرد که قصد برگزاری تجمعی مسالمت‌آمیز در این سازمان را داشتند.

او در استعفا نامه خود نوشت "با ده‌ها موتورسوار و مسئولین امنیتی مواجه شدم و شاهد صحنه‌های تلخ و از یاد نرفتی نیروهای امنیتی با خانم‌های پزشک بودم و هنگامی که درخواست کردم یکی از خانم‌های پزشک را که به روی زمین کشیده می‌شد به درون سازمان راهنمایی کنند یکی از فرماندهان نیروها بنده را نیز هل داد!"

او همچنین "تعدی به خانه پزشکان و امنیتی کردن فضای اطراف سازمان نظام پزشکی و دانشگاه [تهران]" را دلیل دیگر استعفای خود ذکر کرد.

پیش از این نیز تجمعاتی توسط پزشکان در مشهد و شیراز در اعتراض به نقض مقررات بیمارستان‌ها توسط نیروهای امنیتی و نظامی صورت گرفته بود.

در همین روز، تظاهرات در نقاط دیگری از تهران، سعادت‌آباد، بازار بزرگ تهران و خیابان‌های اطراف آن، شهرک غرب، بلوار فردوس، خیابان گیسا، خیابان سهروردی شمالی، تهران‌پارس، فلکه صادقیه، پونک، شهر زیبا، شریعتی، میرداماد، انقلاب و غیره با شعارهای "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه‌ای"، "آزادی، آزادی، آزادی" "زن، زندگی، آزادی" صورت گرفت که در هم‌جا نیروهای مزدور سرکوب با شلیک گاز اشک‌آور و گلوله‌های ساچمه‌ای، تلاش کردند، جمعیت را متفرق سازند

که با مقاومت تظاهرکنندگان و مسدود کردن خیابان‌ها مواجه شدند و گاه مجبور به عقب‌نشینی شدند.

در دیگر شهرهای ایران نیز از جمله آمل، اصفهان، سنندج، قصر شیرین، مریوان، مشهد، تبریز، دیواندره، کرج، بوشهر، اندیمشک، اراک، بروجرد، رشت، کرمان ارومیه، قزوین، شیراز و ... در روز ۴ آبان، تظاهرات برگزار شد و در اغلب موارد به درگیری با نیروهای سرکوب انجامید.

تجمعات و تظاهرات بزرگی نیز در سراسر کشور توسط دانشجویان برپا کردند.

در ۵ آبان، تظاهرات در دانشگاه‌ها و تعدادی از شهرهای ادامه یافت. برجسته‌ترین این تظاهرات در لرستان در گرد هم‌ایی بر سر مزار نیکا شاکرمی برپا گردید که مردم کوه دشت، خرم‌آباد، ویسیان و معمولان در آن حضور داشتند. در این تظاهرات، مردم شعارهای "ما همه نیکا هستیم، بجنگ تا بچنگیم"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه‌ای"، سر دادند و ترانه "دایه، دایه وقت جنگه" خوانده شد. درحالی‌که تظاهرات‌ها همچنان در شهرهای مختلف ادامه داشت، یک روز بعد، هزاران تن از مردم بلوچ در زاهدان به خیابان آمدند و با برپائی تظاهراتی بزرگ خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی شدند.

آنچه از مبارزات انقلابی مردم ایران در ۴ آبان برمی‌آید، همان‌گونه که در آغاز این نوشته به آن اشاره شد، وسعت و اعتلای بی‌سابقه مبارزات اخیر، به‌استثنای روزهای قیام آبان ماه ۹۸ است.

گرچه در طول این شش هفته، سرکوب و وحشی‌گری پیوسته تشدید شده و تاکنون لاقلاً ۲۶۰ تن از مبارزان جان‌باخته، بسیاری مجروح و زخمی شده و متجاوز از ده هزار تن بازداشت‌شده‌اند، اما سرکوبگری‌های رژیم نعتها قادر نبوده که سیل مبارزات را مهار کند، بلکه ۴ آبان به‌وضوح نشان داد که بر کمیت مردمی که در تظاهرات شرکت دارند، افزوده‌شده، مبارزات وسعت و اعتلای بیشتری یافته، جنبش شکل تعرضی‌تری به خود گرفته، تاکتیک‌ها پیچیده‌تر شده، تظاهرات هم‌زمان در چندین نقطه شهرهای بزرگ برپا می‌گردد، سنگربندی‌های خیابانی افزایش یافته و مراکز دولتی و مذهبی به نحو روزافزونی مورد حمله قرار گرفته و گاه جنایتکاران ترور شده‌اند. برای بنرها، تصاویر و مجسمه‌های رژیم نیز دیگر جای امنی وجود ندارد و توسط مردم به آتش کشیده و نابود می‌شوند. زنان قوانین و مقررات ارتجاعی حجاب اجباری و جداسازی زن و مرد را با اراده انقلابی خود ملغی ساخته‌اند. روسری را به آتش کشیده و در دانشگاه‌ها، جداسازی زن و مرد را در غاخوری‌ها برهم زده‌اند. دانش‌آموزان مدارس نیز در بسیاری موارد حجاب اجباری را به دور انداخته و حتی عکس‌های سران جمهوری اسلامی را از کتاب‌ها پاره کرده و سوزانده‌اند. نقش زنان به‌ویژه در موج نوین تظاهرات همچنان یک ویژگی برجسته جنبش است. ۴ آبان نشان داد که اکنون دیگر جنبش محدود به گروه‌هایی از زنان، دانشجویان و دانش‌آموزان نیست، بلکه بخش وسیع‌تری از مردم محلات،

معلمان، کارگران، پزشکان نیز به جنبش پیوسته و آن را تقویت کرده‌اند. این جنبش توده‌ای، تاکنون متکی خود، بی‌توجه به جوسازی تلویزیون‌های وابسته به قدرت‌های جهانی برای تحمیل یک بدیل به مردم ایران، به مبارزه قهرمانانه و انقلابی خود ادامه داده است.

این‌همه در حالی است که جمهوری اسلامی کلیه واحدهای پلیس از جمله واحدهای ضد شورش، نیو، واحدهای جدیدالتأسیس نیروی یگان ویژه، سپاه پاسداران، بسیج و علاوه بر این بازنشستگان این واحدهای سرکوب را به همراه مزدوران وزارت اطلاعات وارد جنگ با مردم مبارز ایران کرده است. فقط این مانده است که ارتش را هم به مقابله با مردم بفرستد. اما شکست تمام این اقدامات سرکوبگرانه رژیم از تلاش برای سناریوسازی‌های جدید و انتساب دستگیرشدگان به آمریکا و اسرائیل و نیز توطئه قتل جنایتکارانه گروهی از مردم بی‌دفاع در شاهچراغ شیراز که تلاشی برای سرکوب بیشتر و رودررو قرار دادن بخشی از مردم با جنبش انقلابی محسوب می‌گردد، آشکار است.

پوشیده نیست که ماجرای حمله تروریستی در شیراز، به هر شکلی که رخ داده باشد، باسیاست‌های رژیم و دستگاه‌های اطلاعاتی آن پیوند دارد. این واقعتی افشاشده است که سال‌ها پیش، دستگاه اطلاعاتی رژیم در زیارتگاه شیعیان در مشهد، بمبی منفجر کرد که آن را به مخالفان نسبت دهد. امروز هم همین اقدام می‌تواند مستقیماً توسط همان وزارت اطلاعات صورت گرفته باشد. رژیم ادعا می‌کند که این اقدام توسط داعش انجام گرفته است. اما برای رژیمی که خود را خیره فعالیت‌های جاسوسی معرفی می‌کند، کار دشواری نیست که به درون داعش نفوذ کند، نیروی اطلاعاتی خود را به درون داعش بفرستد و به نام داعش اقدام تروریستی وحشیانه خود را انجام داده باشد. بی‌دلیل نیست بر طبق فیلمی که خودشان انتشار دادند، این تروریست زنده دستگیر می‌شود، حتی بر روی پای خود راه می‌رود، اما دو روز بعد اعلام می‌کنند در بیمارستان مرد. توطئه کاملاً آشکار است. حتی اگر فرض شود که این اقدام جنایتکارانه واقعاً توسط خود داعش انجام گرفته باشد، باز هم متهم جمهوری اسلامی است که با به راه انداختن بساط شیعه‌گری در ایران و برافروختن جنگ شیعه و سنی، مسبب اصلی این جنایت است، اما می‌خواهد آن را به ایزاری برای نجات خود علیه عموم مردم ایران تبدیل کند. با تمام این اوصاف، رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران، حتی با این شیوه‌های کثیف و جنایتکارانه راه نجاتی ندارد و نابود خواهد شد. آنچه در پیش است روند قطعی سرنگونی جمهوری اسلامی است.

با تظاهرات سراسری گسترده و نبردهای خیابانی اخیر، به‌ویژه حمله به مراکز دولتی و افزایش سنگربندی‌های خیابانی در ۴ آبان و روزهای پس‌از آن، اکنون می‌توان انتظار داشت که جنبش به مرحله عالی‌تری ارتقاء یابد. اشکال نوینی از مبارزه، از جمله اعتصابات سیاسی سراسری شکل بگیرند و شعارهای نفی کتونی از نمونه مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی، با شعارهای اثباتی، نظیر کار، نان، آزادی، حکومت شورایی همراه گردند و روند سرنگونی این رژیم ارتجاعی و جنایتکار تسریع شود.

درخشش جنبش دانشجویی در چهلمین روز یادمان ژینا امینی



حجاب از سر برگرفتند. وسعت اعتراض در دانشکده زبان دانشگاه تهران، دانشگاه علوم و تحقیقات و دانشکده تربیت بدنی، آنچنان گسترده بود که نیروهای امنیتی با ورود به محیط دانشگاه به سمت دانشجویان، گلوله و گاز اشک آور شلیک کردند. در دانشگاه امیر کبیر، دانشجویان با شعار "زن، زندگی، آزادی" و "این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت" در مقابل نیروهای مزدور بسیجی صف آرایی کردند. در دانشگاه تهران، کوی پسران این دانشگاه در پردیس فنی امیرآباد به صحنه های اعمال خشونت لجام گسیخته یگان ویژه مسلح و شلیک گلوله به سوی دانشجویان تبدیل شد. دانشکده فنی دانشگاه تهران با شعار "زن، زندگی، آزادی" و "مرگ بر دیکتاتور" به محل شدیدترین درگیری ها میان عناصر بسیج دانشجویی و نیروهای حراست دانشجویان به هنگام درهم شکستن تفکیک جنسیتی در سالن غذاخوری تبدیل شد. مبارزات دانشجویان در دانشگاه بهشتی تهران آنچنان رادیکال و گسترده بود که دانشجویان با یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر ارتجاع حاکم مواجه شدند.

دانشگاه نوشیروانی بابل، دانشکده محقق اردبیلی، دانشگاه آزاد شریف، دانشگاه پزشکی سبزوار، دانشگاه گیلان، دانشگاه هنر و معماری پارس، دانشگاه آزاد کرمان و کاشان، بوعلی همدان، دانشکده برق دانشگاه خواجه نصیر، رسام کرج، علوم پزشکی بهشتی تهران، صنعتی سهند تبریز، دانشگاه آزاد شهر قدس، دانشگاه اراک، دانشگاه های آزاد کرمانشا، رود هن و ملایر، علوم پزشکی زنجان، دانشگاه سمنان، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، علوم پزشکی بندر عباس و علوم پزشکی زنجان، دانشگاه آزاد یزد، دانشگاه خوارزمی، سجاد مشهد و تعداد دیگری دانشگاه و دانشکده، از جمله مراکز آموزش عالی بودند که روز چهارشنبه، با شعارهایی نظیر "زن، زندگی، آزادی"، "مرگ بر دیکتاتور"، "آزادی، آزادی، آزادی" و "دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد" در همدلی با چهلمین روز جانباختن مهسا امینی به اعتراض برخاستند و صحنه های ماندگاری از مبارزات دانشجویی را در مقابله با نیروهای سرکوبگر رژیم به یادگار گذاشتند.

در صفحه ۶

سرایت کرد و بطور جدی خواب ارتجاع حاکم را آشفته کرد. گستردگی و سراسری بودن مبارزات قهرمانانه دانشجویان در روز ۴ آبان و روزهای بعد از آن، از جمله ویژگی های برجسته جنبش دانشجویی در این روزهای قیام و نبردهای خیابانی مردم ایران بود. بر اساس ویدئوها و گزارش های منتشر شده، در روز چهارشنبه، ۴ آبان، دست کم در ۵۰ دانشگاه کشور اعتراضات دانشجویی صورت گرفت. حمله حراست، عناصر مزدور بسیج دانشجویی و پلیس امنیتی رژیم - موسوم به لباس شخصی ها - برای جلوگیری از شکستن دیوار تفکیک جنسیتی در برخی از دانشگاه ها تهران، آنچنان بی رحمانه بود که تعداد زیادی از دانشجویان دستگیر و عده ای نیز زخمی شدند. با این همه و به رغم ورود سرکوبگرانه نیروهای امنیتی به صحن دانشگاه ها، تلاش ارتجاع حاکم در ممانعت از یکی شدن سالن های غذاخوری ناکام ماند و شکستن دیوار تفکیک جنسیتی از تهران به سایر دانشگاه های کشور سرایت کرد.

آنچه در چهلمین روز یادمان مهسا امینی در دانشگاه های کشور به یادگار ماند، جلوه ای از حماسه و سلحشوری و ایستادگی دانشجویان بود، که یک روز درخشان و بیادمانندی در تاریخ جنبش دانشجویی ایران ثبت گردید. در این روز، در دانشگاه نجف آباد اصفهان، عکس خامنه ای لگدمال شد و تابلوی خمینی و خامنه ای - این نماد ارتجاع حاکم - توسط دانشجویان به زیر کشیده شد. در دانشگاه بلوچستان (زاهدان)، خروش همبستگی دانشجویان با مردم سرکوب شده بلوچ با شعار "ما همه ایرانی، مثل بلوچستایم" طنین افکن شد. در دانشگاه اصفهان، کیوسک حراست به تصرف دانشجویان درآمد. دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، با شعار "هیز تویی هرزه تویی، مفسد بی شرف تویی"، به اراجیف عناصر حکومتی که دانشجویان را به بی بند و باری متهم کرده اند، پاسخ دادند. در دانشگاه مشهد، بنرهای خمینی و خامنه ای به آتش کشیده شد. دانشجویان دانشگاه چمران اهواز، با شعار "زن، زندگی، آزادی" یاد مهسا را گرمی داشتند. در دانشگاه تبریز، دانشجویان



با شعار "ننگ ما ننگ ما، رهبر الدنگ ما" خشم خود را بر سر خامنه ای جلا فرو ریختند. در دانشگاه دخترانه الزهراء تهران، دانشجویان با سر دادن شعارهایی نظیر "نه روسی نه توسری، آزادی و برابری" و "زن آزاده منم، هرزه تویی هیز تویی" روسی از سر برداشتند. در دانشگاه الزهراء مشهد نیز دانشجویان با شعار "آزادی، آزادی، آزادی"، روی سکو ایستادند و

ایران روز گسترش قیام و خیزش و تعمیق نبردهای خیابانی بود، اما برای جنبش دانشجویی ایران، روزی فراتر از اعتراضات روزها و ماه ها و سال های گذشته شد. در این روز، جنبش دانشجویی به شکل برجسته ای در مبارزات مردم ایران درخشید و یک روز بزرگ و فراموش نشدنی را در تاریخ مبارزاتی خود ثبت کرد. در این روز، دانشجویان ایران در اکثریت قریب به اتفاق دانشگاه های کشور سرفرازان علیه ارتجاع حاکم شوریدند، به اعتراضات روزهای گذشته خود عمق بیشتری دادند و با سر دادن شعارهایی نظیر "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر"، "زن، زندگی، آزادی"، "مرگ بر دیکتاتور"، "این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت"، "دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد" و



"هر نفر کشته شه، هزار نفر پشت شه"، چهلمین روز گرامیداشت یاد و خاطره "ژینا" را به نبردی حماسه ساز علیه جمهوری اسلامی تبدیل کردند.

در این روز، دانشجویان ایران با سلحشوری و بی باکی تمام در مقابل نیروهای سرکوبگر رژیم ایستادند و شجاعانه نشان دادند تا چه حد در تداوم حرکت های اعتراضی جامعه و سمت و سو دادن به شعارهای انقلابی مردم نقش داشته و دارند. آنان، با انتخاب شعارهای هوشیارانه ای، نظیر "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر" و همونی که چلاقه، عامل شاهچراغه" به صورت روزانه راه خود را در میان جنبش انقلابی توده های مردم ایران باز کرده اند و نشان دادند که در این بازه زمانی چه نقش موثر و رهبری کننده ای در جنبش انقلابی مردم ایران دارند. جنبش دانشجویی ایران در این روزهای آتش و خون، در این روزهای گسترش قیام و نبردهای خیابانی، در این روزهای پیشروی مبارزات قهرمانانه زنان و جوانان و توده های بیخاسته مردم ایران در زمره پیشقراولان واقعی جنبش انقلابی مردم ایران ظاهر شده اند.

درخشش جنبش دانشجویی که از همان روزهای آغازین بازگشایی دانشگاه ها شروع شد، در چهلمین روز گرامیداشت یادمان تابانک مهسا امینی، آنچنان برجسته شد که ارتجاع حاکم را به وحشت انداخت تا جاییکه یورش وحشیانه مزدوران سرکوبگر رژیم به دانشگاه ها و سرکوب و بازداشت دانشجویان مبارز از هر سو شدت گرفت. حرکت دانشجویان در فرو ریختن طرح فوق ارتجاعی تفکیک جنسیتی در سالن های غذاخوری که از چند روز جلوتر در دانشگاه های تهران و امیرکبیر و بهشتی آغاز شده بود، در این روز به دانشگاه های بیشتری

چه کسی تکلیف را یکسره خواهد کرد؟



سرکوب کرد. مزدوران مسلح ارتجاع حاکم، دهها کارگر را بهشدت مورد ضرب و شتم و بدرفتاری قرار دادند و طی روزهای متوالی، آنها را مورد بازجویی و انواع تهدیدها قرار دادند. دستکم ۲۵۰ کارگر بازداشت و روانه زندان شدند. تعدادی از این کارگران با سپردن وثیقه و فیش حقوقی موقتاً آزاد شدند. هنوز وضعیت بازگشت به کار برخی از این کارگران مشخص نیست. تعداد دیگری از کارگران نیز کماکان در بند و زندان اسپرند. در شرایطی که از اعماق جامعه پرتلاطم هر بار امواج جدید و بلندی از مبارزه برمیخیزد و ضربات کوبندهای بر پیکر کشتی فرسوده رژیم وارد میسازد، ارتجاع حاکم گمان میبرد با سرکوب شدید و وحشیگری بیشتر، در همین آغاز و به هر قیمت باید مانع ورود کارگران به صحنه مبارزه و اعتصاب سیاسی شود. بنابراین در وحشیگری و شدت عمل و اعمال خشونت علیه کارگران پروژههای به پا خاسته صنعت نفت، کم نگذاشت و از هیچ جنایتی دریغ نکرد.

اما سرکوب شدید و بگیروبیند و زندان هم نمی‌توانست و نتوانست مانع اعتصابات کارگری و تأثیرگذاری اعتصاب سیاسی نفت روی سایر بخش‌ها شود.

نزدیک به دو هفته بعد از اعتصاب سیاسی در نفت، چهارم آبان، اعتصاب سیاسی در کارخانه شکلاتسازی آیدین شلمهور شد. کارگران با شعار سیاسی "از کردستان تا تبریز - فقر و فساد و تبعیض" و شعار "بی‌شرف بی‌شرف" که خطاب به مدیر کارخانه سر داده شد و متأثر از شعارهای سیاسی توده‌ای و خیابانی بود، اعتصاب سیاسی دیگری را رقم زدند. اعتصاب و شعارهای سیاسی در کارخانه آیدین نه فقط این واقعیت را نشان داد که پروسه اعتصاب‌های سیاسی کارگری که کارگران پتروشیمی آن را کلید زدند آغاز شده و ادامه دارد، بلکه در عین حال در این اعتصابات، اقدامات دولت سرکوبگر محکوم شده و از اعتراضات و

در صفحه ۵

معلمان، اساتید دانشگاه، وکلا، جراحان، دندانپزشکان و پزشکان نیز در اعتراض به سرکوب‌ها و در حمایت از نبردهای خیابانی برای به زیر کشیدن رژیم حاکم نقش مهمی را در تقویت، استمرار و گسترش مبارزات خیابانی داشته‌اند. در این میان اما کارگران هنوز آن نقشی را که می‌بایست، ایفا نکرده‌اند. جامعه بی‌صبرانه در انتظار ورود فعال طبقه کارگر به صحنه و به سرانجام رساندن جنبش انقلابی است.

طبقه سرمایه‌دار حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع این طبقه همواره از ورود سازمان‌یافته کارگران به عرصه اعتراضات و اعتصابات اقتصادی و سیاسی وحشت داشته‌اند. این خصوصیت البته فقط مربوط به بورژوازی حاکم نیست بلکه از خصائص و خصلت‌های کلیه لایه‌های بورژوازی از جمله جناح‌های رنگارنگ بورژوازی اپوزیسیون نیز هست. مرتجعین حاکم نیک می‌دانند که اگر طبقه کارگر به نحو سازمان‌یافته‌ای وارد میدان مبارزه شود کار رژیم ساخته است. رویدادهای شش هفته اخیر به‌ویژه اعتصاب سیاسی در نفت و پتروشیمی، این وحشت ذاتی را چند برابر ساخته است.

اعتصاب سیاسی کارگران پروژه‌ای و پیمانی پتروشیمی بوشهر و کارگران پترو پالایش‌کنگان در ۱۸ مهر ۱۴۰۱ و پیوستن کارگران پروژه‌ای شاغل پالایشگاه آبادان در ۱۹ مهر و عکس‌العمل سریع و خشونت‌بار ارتجاع حاکم، یکبار دیگر نشان داد که جمهوری اسلامی تا چه اندازه از ورود کارگران به عرصه مسائل سیاسی و اعتصاب سیاسی وحشت دارد. اعتصاب سیاسی بی‌سابقه کارگران صنعت نفت باشعارهایی چون "مرگ بر دیکتاتور" و آتش زدن لاستیک و ایجاد رامبندان در سمره عسلویه، آن‌هم در صنعت نفت که دستگاه امنیتی شدیدترین کنترل پلیسی را بر آن اعمال می‌کند، نشان داد که هیچ دیوارچینی کارگران را از سایر زحمتکشان در مبارزه مشترکشان علیه رژیم حاکم جدا نمی‌کند. وحشت رژیم از این اعتصاب که در عین حال از گسترش مبارزات خیابانی به شدت آسیب‌دیده بود، البته قابل‌فهم بود. چراکه تسری این اعتصاب به سایر مراکز نفت و گاز و پتروشیمی و حفاری چون انبار باروتی با یک جرقه می‌توانست منفجر شود و اعتصاب سیاسی سراسری را شلمهور سازد. این احتمال، در دل تمام حاکمان و کل دستگاه دولتی وحشتی مرگبار افکند. دستگاه سرکوب و امنیتی با اعزام گسترده گله‌های سرکوب و یگان ویژه و برخورد به شدت وحشیانه با کارگران، اعتصاب سیاسی را

خشمگین به پا خاسته برای آزادی و رهایی، در موارد متعددی با ایجاد رامبندان و سنگریندی به مقابله با مزدوران سرکوب‌گر پرداخته، در برابر حملات وحشیانه آنان دست به مقاومت زده و گاه آنان را عقب رانده و فراری داده‌اند. در برخی مناطق و شهرها نیز مراکز بسیج و سپاه و دفاتر مذهبی و امام‌جمعه را با کوکتل مولوتوف مورد حمله قرار داده و به آتش کشیده‌اند. در موارد دیگری نیز به نهادهای دولتی مانند شهرداری‌ها و فرمانداری‌ها یورش برده و این مراکز را حتی به تسخیر خود درآورده‌اند. چه بسیار شهرهایی که خیابان‌های بزرگ و میدانی اصلی آن ساعات طولانی به‌طور کامل در دست مبارزان و جوانان پرشور انقلابی قرار گرفته است.

علی‌رغم اقدامات سرکوبگرانه و جنایات دولت حاکم و کشتار صدها تن از جوانان و مبارزان در کف خیابان‌ها و زندان‌ها و علی‌رغم بازداشت‌های



گسترده که رقم آن از ۱۰ هزار نفر نیز گذشته است، جنبش انقلابی به راه خود ادامه داده و هر روز نیروی بیشتری به آن پیوسته‌اند.

همپای این نبردها و خیزش‌های خیابانی، اعتراضات توده‌ای علیه رژیم حاکم در شکل اعتصاب نیز گسترش یافته است. این شکل اعتراض گرچه نسبت به اعتراض در کف خیابان هنوز عقب است و مراحل اولیه خود را می‌گذراند اما پیوسته در حال افزایش است و چشم‌انداز امیدبخشی را فرا روی کل جنبش انقلابی قرار می‌دهد. علاوه بر دانشجویان مبارز که در تمام طول شش هفته گذشته با شعارها و اعتصابات سراسری خود، مبارزه در کف خیابان را حمایت و آن را تقویت نموده‌اند و دانش آموزان مبارز به‌ویژه دختران دانش‌آموز که درون و بیرون مدارس با سری نترس و گردن افراشته و خرمن موی خود بر خرمن رژیم مرتجع و سران متحجر و تاریک‌اندیش آن آتش افکنده و در مبارزه علیه ارتجاع حاکم صحنه‌های حماسی بی‌مانندی آفرینند، اعتصاب و تجمع گروه‌های دیگری از افراد جامعه نیز مانند

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی



جبهه ملی ایران

چه کسی تکلیف را یکسره خواهد کرد؟

خیزش‌های خیابانی حمایت به عمل آمده و همبستگی و اتحاد کارخانه و خیابان نیز تقویت شده است.

اعتصابات کارگری به موارد فوق خلاصه نمی‌شود. در همین هفته نخست آبان، شاهد چندین اعتصاب کارگری دیگر نیز بوده‌ایم که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اعتصاب و تجمع کارگران و کارمندان پالایشگاه تهران در ۴ آبان، اعتصاب و تجمع کارگران پالایشگاه آبادان و اعتصاب کارگران شرکت موتورسازان تراکتورسازی تبریز در همین روز، اعتصاب کارگران و کارمندان آتش‌نشانی مشهد (سوم آبان) اعتصاب رانندگان تانکرهای حامل سوخت و اعتصاب کارگران شرکت فولاد بوتیا در کرمان در روزهای چهارم و هفتم آبان.

بخش‌های دیگری از کارگران نیز با صدور اطلاعیه و بیانیه، ضمن حمایت از مبارزات توده‌ای و خیابانی و اعتراض نسبت به سیاست‌های سرکوبگرانه حاکمیت و امنیتی کردن فضای محل کار، هشدار جدی داده‌اند چنانچه این سرکوب‌ها متوقف نشود و بازداشت‌شدگان و زندانیان سیاسی آزاد نشوند و بساط نیروهای امنیتی و جاسوسی از محیط کار برچیده نشود، وارد اعتصاب خواهند شد.

جمعی از کارمندان و کارگران رسمی و پیمانکاری شاغل در پروژه‌های نفتی، شرکت پالایش نفت آبادان، شرکت پخش فرآورده‌های نفتی آبادان، شرکت پتروشیمی آبادان و شرکت پترو سینا آبادان، در بیانیه مورخ ۲۸ مهر ضمن حمایت از "قیام سراسری" هشدار دادند دست به اعتصاب سراسری خواهند زد. این کارگران و کارمندان در بیانیه خود از جمله چنین نوشتند: "در شرایطی که ۴۳ سال است جامعه کارگری ایران؛ تحت ظالمانه‌ترین نوع بهره‌مندی حکومتی؛ جان به لب شده‌اند؛ ما کارمندان و کارگران پیمانی آزادخواه پالایشگاه آبادان، در حمایت از قیام سراسری و برای رسیدن به روزی که ظلم و ستم و بهره‌مندی از جامعه کارگری ایران برچیده شود، به صورت متحد و یکپارچه اعلام می‌کنیم که از تاریخ شنبه ۳۰ مهرماه، دست به اعتصاب زده و خواهان جمع شدن مائین کشتار از کف خیابان‌ها و برداشتن اهرم‌های زور و سرکوب از محیط‌های کارگری و آزادی تمامی زندانیان سیاسی و برقراری عدالت و آزادی هستیم." کارگران گروه ملی فولاد خوزستان نیز برای همین روز فراخوان اعتصاب و تجمع صادر کرده بودند. گروهی از کارگران پروژه‌های نفت و پتروشیمی هشدار داده بودند که از روز ۷ آبان وارد اعتصاب سراسری خواهند شد.

حتی کارکنان رسمی و محافظه‌کار صنعت نفت نیز پس از مدتی سرگردانی، توهمپراکتی در مورد نامه‌پراکتی‌ها و دوندگی‌های بیپوده در راهروهای وزارت نفت و دلخوش کردن به مذاکرات و وعده‌های مقامات این وزارت خانه، ظاهراً به این نتیجه رسیده‌اند که وعده‌های این مقامات برای اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، همگی "وعده سرخرمن" بوده است. در خبری که "شورای هماهنگی و

همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت (بازنشستگان و شاغلین) " روز ۲۹ مهر انتشار داد، چنین اعلام شده است که وزارت نفت اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت را از دستور کار این وزارت خانه خارج ساخته است. چنین به نظر می‌رسد که "شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت (بازنشستگان و شاغلین) " برای تحقق این مطالبه قصد دارد راه دیگری را در پیش گیرد از همین رو هشدار داده است که "عواقب هرگونه اتفاق در شرایط فعلی جامعه بر عهده مسئولان وزارت و شخص وزیر خواهد بود." کانال تلگرامی " گروه افکار نفت" وابسته به کارکنان رسمی نفت نیز هشدار داده است اگر این مطالبه در آبان ماه اجرایی نشود وارد "اعتراضات مدنی" خواهند شد. این گروه ضمن انتقاد از مقامات وزارت نفت که جز وعده چیزی به کارکنان رسمی نداده‌اند، چنین هشدار داد که صبر کارکنان "در حال لیریز شدن" است. پیش از آن نیز بخشی از کارکنان رسمی صنعت نفت با انتشار بیانیه‌ای در اعتراض به قتل مهسا امینی، ضمن محکوم نمودن کشتارها و دستگیری‌ها و حمایت از اعتراضات و خیزش‌های توده‌ای، هشدار داده بودند اگر دستگیرشدگان آزاد نشوند و به فضای پادگانی در خیابان‌ها و شهرها و محیط‌های کار پایان داده نشود دست به اعتصاب و تجمع سراسری خواهند زد.

شواهد موجود حاکی از شکل‌گیری اعتصابات بیشتری در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و حفاری است. آنچه در شرایط کنونی بسیار مهم است عبور از مرحله هشدارهای پی‌درپی و سازمان دادن اعتصاب است. اعتصابات کارگری اکنون که در پایان ششمین هفته اعتراضات توده‌ای و نبردهای خیابانی قرار گرفته‌ایم، نسبت به هفته نخست آن بیشتر شده است. نمونه‌هایی از اعتصابات کارگری را که پیش‌از این به آن اشاره شد، باید در حکم آغاز این مرحله به شمار آورد. مرحله‌ای که با اعتصاب سیاسی در نفت و پتروشیمی آغاز شده، با اعتصاب سیاسی کارخانه آبدین ادامه یافته است. اعتصابات کارگری در پالایشگاه تهران و آبادان و مراکز دیگر کارگری نیز نوبدبخش گسترش بیش‌از پیش اعتصابات اقتصادی و سیاسی کارگری است. از یاد نبریم که همبستگی کارخانه و خیابان در مرحله کنونی جنبش حائز اهمیت جدی است. حضور پررنگ و پر قدرت کارگران در جنبش انقلابی برای

سرنگونی نظم موجود، از آن هم مهم‌تر است. گرچه همپای رشد و استمرار اعتراضات و خیزش‌های خیابانی، اعتراض و مبارزه در شکل اعتصاب نیز رشد داشته است، اما ظرفیت رشد و تکامل این شکل مبارزه بسیار بیشتر از این است. اگر این واقعیت و ضرورت را به پذیریم که رژیم جمهوری اسلامی را باید از طریق اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت، پس باید برای سازمان‌دهی چنین اعتصابی دست‌به‌کار شد و مقدم بر آن اعتصابات سراسری را در همه بخش‌هایی که می‌توانند اعتصاب کنند، از نمونه معلمان، دانش‌آموزان، پرستاران، وکلا، دانشگاهیان، پرسنل پزشکی، کارمندان دولت، راه‌آهن، مترو، وسایل نقلیه شهری و قبل از همه اعتصابات سراسری کارگران را سازمان داد. صنعت نفت و گاز و پتروشیمی یکی از مراکز حساس و استراتژیک است و در عین حال از این استعداد و آمادگی و تجربه برخوردار است که وارد اعتصابات سراسری شود. گذشته‌های خیلی دور و دوره انقلاب ۵۷ به کنار، در همین چند سال اخیر از سال ۹۹ تاکنون ما شاهد چندین اعتصاب سراسری هم در بخش کارگران پیمانی و پروژه‌ای و غیررسمی و هم در بخش کارگران کارکنان رسمی صنعت نفت بوده‌ایم. اکنون زمان آن است که کارگران آگاه و پیشرو و باتجربه صنعت نفت و کمونیست‌های مدافع منافع طبقه کارگر، در جهت برپایی کمیته‌های اعتصاب و آن مهم‌تر کمیته‌های هماهنگی اعتصاب سازمان‌دهی اعتصابات سراسری تلاش‌های خود را دوچندان کنند. تأخیر در این زمینه به هیچ‌وجه جایز نیست. سازمان‌دهی اعتصابات سراسری اعم از سیاسی یا اقتصادی، ضمن تقویت نبردهای خیابانی و اعتراضات توده‌ای، کل جنبش انقلابی را گام بلندی به جلو خواهد برد. اعتصابات سراسری کارگری گشایش در پیچه، بر هوای تازه‌ای است که جنبش انقلابی سخت نیازمند آن است. بدون اعتصابات سیاسی و اقتصادی سراسری کارگری، حرفی از اعتصاب عمومی سیاسی نمی‌تواند در میان باشد. از همین جاست که مبارزان خیابانی در انتظار ورود کارگران‌اند، دانش‌آموزان و دانشجویان، اعتصاب سراسری کارگری را انتظار می‌کشند، توده‌های مردم رنج‌دیده به خطرات دوره قیام و انقلاب ۵۷ " کارگر نفت ما- رهبر سرسخت ما" نقب می‌زنند. تمام جامعه‌ی سر تا پای متلاطم و تشنه آزادی و تحول و رهایی، چشم به اعتصابات اقتصادی و سیاسی کارگری دوخته است و در انتظار ورود قدرتمند طبقه کارگر است تا تکلیف را یکسره کند.

کار - نان - آزادی **حکومت شورائی**

رژیم جمهوری اسلامی

را باید با یک اعتصاب عمومی

سیاسی و قیام مسلحانه بر انداخت.

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

درخشش جنبش دانشجویی در چهلین روز یادمان زینا امینی

مبارزاتی تحسین برانگیز که در روزهای بعد هم تداوم یافت و فضای بسیاری از دانشگاه های کشور نظیر دانشگاه فردوسی مشهد، چمران اهواز، دانشکده فنی دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد سوهانک به صحنه های تهاجم وحشیانه نیروهای سرکوب رژیم به دانشگاه و نبرد دانشجویان با نیروهای مزدور جمهوری اسلامی تبدیل شد.

در مبارزات کنونی دانشجویان، آنچه جمهوری اسلامی را نسبت به مبارزه آنان در این بازه زمانی حساس کرده است، همانا جسارت، آگاهی و پیشقراولی آنان، بویژه دانشجویان چپ در طرح شعارهای انقلابی و تکثیر این شعارها در مبارزات جاری مردم ایران است. پوشیده نیست، بخش اعظم دانشجویانی که این روزها در سنگر مبارزات دانشجویی جانفشانی می کنند، فرزندان همین کارگران و توده های زحمتکشی هستند که طی ۴۳ سال گذشته به بی رحمانه ترین شکل ممکن سرکوب شده اند. دانشجویانی که با رنج و نداری خانواده ها رنج برده اند، با بیکاری مادران و پدران خود عذاب کشیده اند، از آزادی بیان و اندیشه محروم بوده اند، حق آزادی انتخاب پوشش از آنان سلب و زخم شلاق تبعیض و جدایی در محیط دانشگاه بر کرده شان نشسته است. دانشجویانی که به صورت روزمره سرکوب عریان و بی عدالتی حاکم بر جامعه را به چشم دیده اند و خود نیز با پوست و گوشت خود سرکوب و بی عدالتی سالیان سپری شده را تجربه کرده اند. روشن است، جنبش دانشجویی و به طور اخص گرایش چپ و انقلابی آن با داشتن چنین ویژگی های مردمی، هرگز نمی تواند نسبت به مبارزات مردم ایران بی تفاوت باشد. و صد البته نه تنها بی تفاوت نبوده، بلکه در این روزهای قیام و نبردهای خیابانی، با قامتی بلند در صف اول مبارزه ایستاده اند و با طرح شعار "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر" نقش پیشقراولی خود را در مسیر سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی ایفا کرده اند.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت و این روزها باعث وحشت روز افزون جمهوری اسلامی از مبارزات دانشجویی شده است، کشیده شدن اعتراضات سراسری دانشجویان به بیرون از دانشگاه و در آمیختن آن با مبارزات خیابانی توده های مردم ایران است. وقوع این اتفاق اگرچه طی روزهای گذشته به صورت محدود در پاره ای از دانشگاه ها صورت گرفت، اما شکل گیری آن می تواند آغاز شکوهمندی در بهم پیوستگی عملی جنبش دانشجویی با مبارزات خیابانی توده های مردم ایران باشد. اتفاقی که در روزهای یادمان شانزده آذر ۹۸ رخ داد. وقتی هوپیمای مسافربری اوکراینی در ۱۹ دی ماه ۹۸ با شلیک دو موشک سپاه پاسداران سرنگون شد و تمام ۱۷۶ سرنشین آن جان باختند، دانشجویان دانشگاه های تهران در ۱۶ آذر همان سال (روز دانشجو) با شعار "مرگ بر دیکتاتور" به خیابان آمدند و حمایت و همبستگی خود را با خانواده های جانبختگان هوپیمای اوکراینی اعلام کردند. این حرکت اعتراضی دانشجویان در آن فضای ملتهب بعد از کشتار مسافران هوپیمای اوکراینی تأثیر شگرفی در اذهان عمومی جامعه و خانواده های جانبختگان آن



یورش وحشیانه به دانشگاهها و خوابگاههای دانشجویی را قویاً محکوم می کنیم

دولت ارتجاعی و سرکوبگر جمهوری اسلامی در ششمین هفته اعتراضات و اعتصابات سراسری دانشجویان، یورش وحشیانه و گستردهای را در مقیاس سراسری علیه دانشجویان سازمان داده و به اجرا درآورده است.

حملات وحشیانه و گسترده مزدوران سرکوب گر رژیم به خوابگاههای دانشجویی که از شب گذشته تشدید شده بود، از ساعات اولیه صبح امروز با حمله اوپاشان به دانشگاهها ادامه یافت. یورش گستاخانه و وحشیانه گزندگان حکومتی به خوابگاههای دانشجویی، با شلیک گاز اشکآور و تیراندازی با گلولههای پینت بال و ساچمه‌ای و حتی گلوله‌های جنگی به روی دانشجویان و محل سکونت آنان همراه بوده است. در طی این حملات ددمنشانه اوپاشان، تعداد زیادی از دانشجویان مورد ضرب و شتم قرار گرفته، زخمی و مصدوم شده و تعداد زیاد دیگری نیز بازداشت و ربوده شده‌اند. علاوه بر ایجاد موجی از ناامنی در خوابگاهها، دهها تن از دانشجویان نیز از خوابگاه اخراج شده‌اند.

در دانشگاههای سراسر کشور نیز حملات نیروهای بسیجی و مزدوران اطلاعاتی موسوم به لباس شخصی که از روز گذشته شدت گرفته بود، امروز به اوج خود رسید. مزدوران رنگارنگ حکومتی بویژه نیروهای بسیجی مسلح به سلاح‌های گرم و سرد همراه با لباس شخصی‌های مسلح به کلت، دانشجویان دانشگاهها را مورد حمله قرار دادند. برخی دانشگاهها، مزدوران بسیجی و لومپن، به چاقو کشی علیه دانشجویان متوسل شدند. نیروهای امنیتی و سرکوب با استقرار در محل درب ورودی دانشگاهها، عبور و مرور دانشجویان را زیر کنترل خود گرفتند. از ورود برخی دانشجویان جلوگیری می‌کردند. از چهره دانشجویان عکس می‌گرفتند، گوشی‌های همراه را مورد تفتیش قرار داده و از همانجا دانشجویان شناسایی شده را بازداشت می‌کردند. برخی دانشگاهها، نیروهای سرکوب اقدام به بستن درب دانشگاه نموده و دانشجویان را محبوس کردند و سپس به روی آنان گاز اشکآور شلیک نموده و مورد ضرب و شتم قرار دادند. حتی در برخی موارد از بیرون دانشگاه نیز به روی دانشجویان تیراندازی می‌کردند.

امروز یکشنبه هشتم آبان تقریباً تمام دانشگاهها در تهران، اصفهان، اراک، تبریز، زنجان، شاهرود، قزوین، کرمانشاه، کردستان، شیراز، مشهد، بابل، اهواز، مازندران، همدان و بسیاری شهرها و استانهای دیگر شاهد لشگری از مزدوران بسیجی و دیگر مزدوران و جبرمخواران حکومتی بود که برای سرکوب و خاموش ساختن دانشجو و دانشگاه اعزام شده بودند. اما دانشجویان مبارز به رغم تمام این سرکوبها و جو شدید امنیتی و به رغم تمام فشارها و تهدیدها و دستگیریها، به تجمعات اعتراضی خود و مقاومت در برابر مرتجعان اشغالگر ادامه دادند و خواهان آزادی رفقای بازداشتی خود شدند. دانشجویان آگاه و مبارزی که وارد هفتمین هفته اعتصابات سراسری خود می‌شوند یکبار دیگر نشان دادند که دانشگاه زنده است!

سازمان فدائیان(اقلیت) تمام اقدامات جنایتکارانه مزدوران حکومتی علیه دانشجویان و یورش وحشیانه به خوابگاههای دانشجویی را شدیداً محکوم می‌کند.

سازمان فدائیان اقلیت خواهان اخراج تمام نیروهای سرکوب از قماش نیروهای بسیجی و سپاهی و لباس شخصی از دانشگاه است. دانشگاه پادگان نیست.

سازمان فدائیان(اقلیت) ضمن حمایت از دانشجویان مبارز و اعتصابات دانشجویی خواهان اعلام اسامی دانشجویان بازداشت شده طی شش هفته اخیر و آزادی فوری و بی‌قیدوشرط همه دانشجویان زندانی و زندانیان سیاسی است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی

زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان(اقلیت)

هشت آبان ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی- حکومت شورایی

عملی جنبش دانشجویی با مبارزات مردم در کف خیابان ها باشد.

با این همه و به رغم سرکوب شدیدی که در چند روز گذشته بر دانشگاه های کشور اعمال شده است، جنبش دانشجویی سرافرازانه راه خود را برای پیشروی و حرکت به جلو باز کرده است. گستردگی اعتراضات دانشجویی در روزهای بعد از یادمان چهلین روز جان باختن مهسا امینی، رادیکال شدن شعارها و کشیده شدن اعتراضات دانشجویی به دانشگاه هایی که پیش از این ساکت بودند، جملگی نشان می دهد که این جنبش را سر باز ایستادن نیست.

فاجعه هولناک گذاشت. حال در چنین وضعیتی که قیام و نبردهای خیابانی توده های مردم ایران در حال تعمیق و گسترش است، ورود دانشجویان به خیابان می تواند نقطه عطفی در مبارزات دانشجویی و نیز نقطه امیدی برای توده های مردم ایران باشد. ورود وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم به خوابگاه دانشجویی دانشگاه چمران اهواز، تیراندازی به سوی دانشجویان در تعدادی از دانشگاه ها نظیر دانشگاه آزاد سوهانک، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی کردستان و محاصره این دانشگاه ها جهت جلوگیری از هرگونه ورود و خروج به محیط دانشگاه، می تواند بخشی از پروژه سرکوب جمهوری اسلامی برای جلوگیری از پیوند

صدور احکام سنگین علیه فعالان کارگری و معلمان و

اهمیت شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"

خانه‌هایشان برای به بند کشیدن آن‌ها، بخشی از همین سناریو است.

نحوه رویارویی رژیم با اعتصاب کارگران نفت در پارس جنوبی (عسلویه) و دستگیری و به بند کشیدن ۲۵۰ کارگر اعتصابی یک نمونه دیگر از نقش زندان برای حفظ نظم موجود است. ترس رژیم از فراگیر شدن اعتصاب سیاسی کارگران، باعث شد تا رژیم به سرکوب سبانه اعتصاب کارگران روی آورد. پارس جنوبی یکی از منابع مهم مالی رژیم برای ادامه حیات است. منطقه‌ای که تمامی ثروت بدست آمده از آن حاصل عرق جبین کارگران است، اما کارگران خود در شرایطی بردوار مجبور به کار هستند. مجبور به کار هستند چرا که راه دیگری برای تامین معاش خود و خانواده‌هایشان ندارند، در کشوری که بیش از ده میلیون انسان جویای کار هستند و در عین حال فاقد هرگونه حمایت دولتی. با این وجود و بهرغم آنکه کارگران هیچ حامی و یا امکان مالی برای اعتصاب خود ندارند، در حمایت از اعتراضات توده‌ای و در اعتراض به جمهوری اسلامی به دلیل کشتار و به بند کشیدن معترضان، دست به اعتصاب زدند و همراه با بستن جاده شعارهایی همچون مرگ بر دیکتاتور سر دادند.

دستگاه سرکوب رژیم با آغاز اعتصاب، یورش به کارگران را آغاز و تعداد زیادی از آن‌ها را دستگیر کرد. در مرحله‌ی بعد با ریختن به خوابگاه‌ها تعداد دیگری از کارگران به بهانه‌ی نقش داشتن در شکل‌گیری اعتصاب دستگیر شدند. تاکنون بخش زیادی از کارگرانی که در همان ابتدا با یورش دستگاه سرکوب، توسط نیروی انتظامی بازداشت شده بودند با شرایطی مانند گرو گذاشتن وثیقه ملکی، فیش حقوقی و حتی پول نقد آزاد شده‌اند، اما از سرنوشت سایر کارگران خبری نیست. همچنین کارگرانی که آزاد شدند با ممنوعیت حراست هنوز نتوانستند به سر کار خود باز گردند.

بنابراین کارکرد زندان در جمهوری اسلامی، تنها به بند کشیدن پیشروان، سازمان‌دهندگان و فعالان اعتصابات و اعتراضات توده‌ای نیست. زندان به‌عنوان بخش مهمی از دستگاه دولتی و به‌طور خاص دستگاه سرکوب، وظیفه‌ی بسیار مهمی در حفظ نظم موجود دارد که نحوه دستگیری و به زندان انداختن کارگران اعتصابی نفت یک نمونه روشن از کارکرد گسترده و مهم این بخش از دستگاه سرکوب است، همان‌طور که در تمامی این سال‌ها مردم ایران به‌خوبی شاهد آن بودند. بنابراین بدون هیچ تردیدی شکستن درب‌های زندان، دستگاه دولتی را از این ابزار مهم برای حفظ اتوریته و اعمال حاکمیت خود محروم ساخته و به بیانی دیگر بخش مهمی از دستگاه سرکوب را از کار می‌اندازد. زندان برای جمهوری اسلامی بسیار با اهمیت است. در همین اعتراضات و زد و خوردهای خیابانی شاهدیم که برای مزدوران رژیم دستگیری تظاهرکنندگان چقدر مهم است. تعداد دستگیری‌ها در جریان اعتراضات اخیر آنقدر زیاد بوده که زندان‌های جمهوری اسلامی گنجایش آن همه دستگیری را ندارند و برای همین زندانیان در

شرایطی بسیار بد در بند هستند. برای نمونه جمهوری اسلامی برای در بند نگاه داشتن دستگیری‌های جدید از سوله‌هایی استفاده می‌کند که فاقد هرگونه امکاناتی از قبیل سرویس‌های بهداشتی هستند و فضا حتی برای استراحت بسیار محدود است. از سوی دیگر ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی در زندان‌ها همچنان فعال است.

در همین روزهایی که همه از جمعه خونین زاهدان سخن می‌گویند، جمهوری اسلامی از اعدام جوانان بلوچ به بهانه حمل و یا فروش "مواد مخدر" دست برنمی‌دارد. در ماهشهر نیز یکی از دستگیرشدگان قیام آبان ۹۸ در روزهای گذشته به اعدام محکوم گردید. به‌گفته‌ی فرشته تابانین وکیل عباس دریس از اهالی ماهشهر، وی توسط "قاضی دادگاه انقلاب" ماهشهر به اتهام "محرابه" به اعدام محکوم شده است. گفتنی‌ست که پیش از این همسر وی هنگامی که برای پیگیری پرونده‌ی او به تهران رفته و در "دادسرای" تهران به او گفته بودند که حکم همسر وی قطعاً اعدام است، در اثر فشارهای روحی سگته و فوت کرده بود.

همچنین برای چهار تن از زندانیان سیاسی که در استان آذربایجان غربی دستگیر شده بودند با پروتئوسازی مضحک به‌عنوان جاسوس موساد کیفرخواستی با اتهام "افسادفی الارض" صادر شده که براساس قوانین جمهوری اسلامی حکم آن اعدام است.

در این روزها که خون مردم قهرمان ایران بر سنگفرش‌های خیابان‌ها جاری‌ست و هر روز خبری از کشته شدن عزیز و یا عزیزانی منتشر می‌شود، شاهد انتشار اخبار قتل زندانیان در زیر شکنجه نیز هستیم. زندان همچون خیابان، خیابان همچون زندان. رامین فتاحی یکی از همان زندانیان است که تنها ۵ روز بعد از دستگیری در زیر شکنجه به قتل رسید، محمد عبدالهی در ایلام، عماد حیدری در اهواز از جمله زندانیانی هستند که در این روزها اخبار قتل‌شان در زندان‌ها منتشر شده است. در طی شش هفته اخیر اخبار به قتل رسیدن چهار زندانی تنها در مناطق کردنشین منتشر شده است.

به‌گفته‌ی صالحی "دادستان" تهران در نشست شورای عالی قضایی، تاکنون ۳۱۵ کیفرخواست برای دستگیرشدگان اعتراضات اخیر صادر شده که از این میان اتهام ۴ نفر از آن‌ها "محرابه" است که باز در قوانین جمهوری اسلامی حکم آن اعدام می‌باشد. در همین نشست، اژه‌ای رئیس دستگاه قضایی خواستار سرعت عمل در تشکیل دادگاه دستگیرشدگان شده بود.

براساس اعلام روسای "دادگستری‌ها"، در استان زنجان ۲۷۹ پرونده برای ۳۲۵ نفر تشکیل و ۱۳۷ پرونده تعیین تکلیف شده‌اند. در استان سمنان ۸۹ کیفرخواست، در آذربایجان غربی ۹۵ کیفرخواست و در خوزستان ۱۰۵ کیفرخواست با ۲۱۳ زندانی تاکنون صادر و به "دادگاه‌ها" ارسال شده است. در استان البرز نیز به‌گفته‌ی رئیس دادگستری، تاکنون برای ۲۰۱ نفر از دستگیرشدگان کیفرخواست صادر شده و ۶۸ درصد دستگیرشدگان با قید وثیقه

و کفالت موقتاً آزاد شده‌اند. براساس همین خبر در دادگاه‌های شهریار تاکنون برای تعدادی از دستگیرشدگان احکام زندان و شلاق صادر شده است.

آخوند منتظری "دادستان" کل کشور نیز با صدور بخشنامه‌ای به "دادستان"های کشور از آن‌ها خواسته بود تا "اگر پرونده اتهامی آنان دارای مستندات، مدارک و شواهد کافی است تا زمان برگزاری دادگاه و صدور حکم قطعی در بازداشت باشند و محاکمه آنان با دقت و سرعت و قاطعیت پیگیری و از دادگاه اشد مجازات و صدور احکام بازدارنده و بدون تخفیفات درخواست شود". پیش از وی اژه‌ای نیز خواستار نشان دادن "قاطعیت" شده بود.

روزنامه ارتجاعی "وطن امروز" در همین رابطه نوشت: "با پایان آشوب‌هایی که به بهانه فوت مهسا امینی آغاز شده و نظم عمومی کشور را نشانه رفته بود، اکنون نوبت محاکمه اغتشاشگران رسیده است؛ اغتشاشگرانی که راه گریزی از قانون ندارند و باید پای میز محاکمه رفته و پاسخگوی جنایت‌ها و اقدامات ضدملی خود باشند". این روزنامه و خبرنگار فاشیست آن مانند دیگر مقامات جمهوری اسلامی در حالی در رویای پایان اعتراضات بسر می‌برند که در این مدت، اعتراضات توده‌ها نه تنها فروکش نکرده بلکه در حال گسترش است و چهارشنبه ۴ آبان شاهد گسترده‌ترین اعتراضات توده‌ای از زمان آغاز آن بودیم.

همین واقعیت نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی با ابزار زندان و شکنجه و حتی قتل زندانیان نه می‌تواند فعالان کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی از جمله دانشجویان را که مدام بر تعدادشان افزوده می‌شود، مرعوب و از صحنه خارج کند و نه خواهد توانست توده‌های پیاخاسته را عقب براند. اما به‌رغم این واقعیت، باید بر این موضوع تاکید کرد که زندان یک بخش مهم از دستگاه سرکوب است که از میان توده‌های پیاخاسته قربانی می‌گیرد. چه آن‌ها که در زیر شکنجه خون سرخشان دیوارهای زندان را رنگین می‌کند و چه آن‌ها که در اثر زندان و شکنجه آسیب‌های روحی و روانی می‌بینند، بویژه دختران و پسران جوان و نوجوان.

از این رو وظیفه داریم تا با شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، به حمایت از زندانیان دربند برخیزیم، آنان که تا دیروز و تا ساعاتی قبل در کنار ما بودند و در کنار هم می‌جنگیدیم، از جان‌شان، از جسمشان و از روحشان محافظت کنیم. با فراگیرکردن این شعار و سردادن آن در تمامی اعتراضات، هم با قدرت خود فشار بر حکومت برای آزادی زندانیان دربند را افزایش می‌دهیم و هم این ابزار مهم سرکوب را از حیث انتفاع می‌اندازیم. این واقعیت در حافظه تاریخی مبارزات توده‌های ایران در سال ۵۷ به وضوح می‌درخشد. وقتی که در انقلاب ۵۷ شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" فراگیر شد، وقتی که به همت توده‌ها و مبارزاتشان رژیم شاه مجبور به بازکردن درب زندان‌ها گردید، آن‌گاه سلاح سرکوب رژیم بیش از پیش رنگ باخت و سرعت فروپاشی رژیم سلطنتی افزایش یافت. این وظیفه‌ای‌ست که امروز بر دوش همگان قرار دارد.



صدور احکام سنگین علیه فعالان کارگری و معلمان

و

اهمیت شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"

زندانیان محکوم شدند. هر سه نفر همچنین به عنوان "مجازات تکمیلی" به دو سال ممنوعیت از هرگونه فعالیت صنفی و عضویت در تشکلات صنفی و نیز ممنوعیت خروج از کشور به مدت ۲ سال محکوم شدند.

بدون هیچ‌گونه تردیدی یکی از اهداف رژیم از به بند کشیدن چهره‌های محبوب طبقه کارگر و معلمان، به بند کشیدن کسانی است که از نظر رژیم می‌توانند در سازماندهی مبارزات توده‌ها علیه ستم و استعمار حاکم نقش ایفا کنند. همین مساله را در مورد دستگیری‌های گسترده‌ی روزهای اخیر نیز شاهد هستیم. ربودن بسیاری از دانشجویان و دیگر فعالان کارگری، معلمان و سایر گروه‌های اجتماعی در جریان اعتراضات، یا در خیابان و محل کار و حتا با یورش به در صفحه ۷

خواست‌های کارگران دستگیر و به زندان افتاده بودند، در دادگاهی نمایشی توسط "قاضی" شعبه‌ی ۲۶ "دادگاه انقلاب تهران" هر کدام به ۶ سال زندان، و ممنوعیت خروج از کشور، عضویت در احزاب و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و منع اقامت در تهران و استان‌های مجاور به مدت ۲ سال محکوم شدند!!

جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی و رسول بادی ۳ تن از اعضای تشکلات صنفی فرهنگی کشور نیز توسط "قاضی" همان شعبه به زندان محکوم شدند. جعفر ابراهیمی ۴ سال به اتهام "اجتماع و تبانی" و یک سال به اتهام "تبلیغ علیه نظام"، محمد حبیبی ۳ سال و ۷ ماه به اتهام "اجتماع و تبانی" و یک سال به اتهام "تبلیغ علیه نظام" و رسول بادی به ۴ سال و ۶ ماه به اتهام "اجتماع و تبانی" و یک سال به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 994 October 2022



tvshorashora@gmail.com

تلویزیون دموکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم بیکار می کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و اینترنتی شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون اینترنتی شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند. مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی اینترنتی شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲
مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: shora.tv@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org> ، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی